

خلاصه جلسه استاد بابایی

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش نماز جمعه در ایجاد تمدن اسلامی

بخش اول: سه نقطه عزیمت در حوزه تمدن و اینکه جایگاه ما در تمدن کجاست؟

برای تمدن اسلامی سه نقطه عزیمت می توان نگاه کرد:

اول: از منظر الهیات

از این منظر تمدن عمل جامع به دین جامع است. ما به ازای عملی تحقق دستورات دینی در همه حوزه ها اعم از اقتصاد و سیاست و .. برای مسلمان و غیر مسلمان، تمدن اسلامی است چه درون کشور اسلامی باشد چه در خارج از آن. در این زمینه کتاب هایی نوشته ایم و کارهایی انجام شده است.

دوم: از منظر فلسفی

تمدن در نگاه فلسفی چیست؟ رابطه انسان با طبیعت یا رابطه انسان با انسان؟ شاخص ها در این دو نگاه فرق می کند. اگر رابطه انسان با انسان، با همسر، فرزندان، همکاران و ... تمدن باشد ملاک تمدن عدالت، گذشت، اخلاق و ... می شود حتی اگر به لحاظ علم و تکنولوژی پیشرفتی وجود نداشته باشد. با این نگاه صرف سیطره بر طبیعت و تکنولوژی نشانی از فرآیند تمدنی نیست. در اینجا فقط رابطه بین افراد حقیقی مدنظر نیست بلکه مناسبات انسانی بین مساجد، دانشگاه ها، حوزه ها، رابطه بین دو نهاد حوزه و دانشگاه، حوزه قم با حوزه نجف، حوزه شیعه و حوزه اهل سنت و ... منظور است و همه موجب نزدیک شدن به تمدن است. هر مقدار به مرز جهانی شدن نزدیک شویم به آستانه های تمدن نزدیک شده ایم. در این نگاه فلسفی، تمدن کلان ترین و فراخترین نظام مناسبات انسانی است و فرهنگ هسته مرکزی، قلب تمدن و مبنای اصلی در صورت بندی تمدن است.

اما اگر رابطه انسان و طبیعت، تمدن باشد پیشرفت علم، داشتن محیط زیست سالم، هوای سالم، تکنولوژی و ... شاخصه تمدن می شود.

فایده تفکیک این دو، نشان دادن اولویت ها است. آیا اولویت ما تکریم انسان و انسانیت است یا ایجاد یک تشکیلات و امکانات و لو اینکه آثار فرهنگی مورد نظر را نداشته باشد؟ اما متأسفانه درباره تمدن از این منظر کار جدی ای انجام نداده ایم.

سوم: از منظر اجتماعی

تمدن در نگاه اجتماعی پاسخ‌های متراکم به نیازهای انباشته، مساله‌ها و معضلات و نیازهای بزرگ ایران، جهان اسلام در نگاه متوسط و کل جهان در نگاه بلند است؛ موضوعاتی نظیر سلامت، مهاجرت، مسئله آب، محیط زیست، جمعیت، تکنولوژی و ... اگر جهان اسلام از پس این سوالات بر بیاید، تمدن اسلامی محقق شده است و الا نقش تمدن غرب را بازی می‌کند. سیاستگذاری‌های کشورهای اسلامی در اغلب کشورهای اسلامی به وسیله بنیادهای غربی انجام می‌گیرد و اساسا در ایران و کم و بیش در جهان اسلام در مساله‌ها و معضلات اجتماعی ورودهای تخصصی و اسلامی نداشته‌ایم و از جایی که ما نسبت به آن غفلت می‌کنیم استعمار از همان نقطه وارد می‌شود. مسئله سکولاریزم مسئله بسیار مهمی است. ما در حوزه درمانی، آموزشی، فرهنگی و .. سکولاری زیست می‌کنیم. سکولاریزم در خانه ماست. در حیات خلوت ماست. نظام طبقه بندی علوم بر اساس نیازهای اجتماعی است. آیا ما می‌دانیم که هسته آسیب اجتماعی کجاست؟ از کجا ناهنجاری‌های اجتماعی نشر پیدا می‌کند؟ ما باید نظام اولویت‌هایمان را در بستر زندگی بشناسیم ولی الان اینگونه نیستیم؛ به همین دلیل اولویت‌های ما جابه‌جا می‌شوند.

بخش دوم: نسبت روحانیت و تمدن اسلامی و فرهنگ جهانی

اساسا نقطه شروع تمدن امید است و نقطه پایان تمدن، خودباختگی است. مسئله خودباختگی مسئله‌ای است که ما را رنج می‌دهد. بخشی از خود باختگی ما به ادبیات است. ضعف ما در پمپاژ ادبیات امید است. در حمله مغول‌ها ما با امید عبور کردیم. تمدن را از یک عزم ملی شروع نمی‌کنیم بلکه با ده گام موثر و اولویت بندی می‌توان به طور نامنظم موجب تحقق تمدن شد. هر کسی در هر گوشه ای یک جایی از این پازل را آباد کند و تمرکز کند و سامان دهد می‌شود تمدن.

ما باید داشته‌های خودمان را فعال کنیم. ما نمی‌توانیم گام‌های انقلاب را نادیده بگیریم. در مورد گام‌های برداشته شده، سه کتاب پیشنهاد می‌کنم:

- عیار تمدنی جمهوری اسلامی ایران نوشته محمد رضا بهمنی که تجربه تمدنی در حوزه ودانشگاه، ادیان و مذاهب، علوم انسانی، مقاومت، پیشرفت و ... در آن ذکر شده است.
- کارنامه تمدنی جمهوری اسلامی ایران که چکیده کتاب عیار تمدنی است.
- صعود چهل ساله اثر سید محمد حسین راجی و سید محمد رضا خاتمی.

در دنیا دو فرهنگ در حال رشد است؛ فرهنگ اسلام و فرهنگ غرب.

فرهنگ غرب:

فرهنگ جهانی، فرهنگ آمریکایی است که همه جا را گرفته است. موسسات زبان همه انگلیسی هستند در حالی که فرانسه زبان ها بیشتر از انگلیسی زبان ها هستند. نخبه ما یک زبان بلد است؛ در حالی که به جهت فلسفی به زبان آلمانی بیش از انگلیسی نیاز داریم. در چین افتخارشان نشستن پشت ماشین امریکایی است. در آلمان لهجه آمریکایی را می پرستند. این سطح ظاهر فرهنگ جهانی است.

مهمتر از این، بینش و نگرش و باور به زندگی سکولار، مدرن، این جهانی و عرفی است. تکرر گرایی و هرهری مذهبی از یک مسیر نرم و از دانال های بازی، مد، ترجمه، زبان و ادبیات، ورزش و ... وارد فرهنگ ما می شود. فیلم های هالیوودی بخشی از فرهنگ جهانی است و این فرهنگ در جوامع مختلف آمده است. در ادبیات فلسفی، عقلانیتی که گفته می شود عقل سکولار است نه دین بنیان. غربی ها در دپارتمان شرق شناسی در باره ما تحقیق کرده اند. مرجعیت اجتماعی ما را چه کسی تعریف می کند؟ مرجعیت اجتماعی ضرورتا مرجعیت علمی نیست. شرق شناسان از ادبیات ما تفسیر غربی کرده اند و ما اگر روایت از خودمان نکنیم آنها از ما روایت می کنند.

فرهنگ اسلام:

فرهنگ جهانی اسلام در جهان پخش است و برخوردها در درون تمدن هاست. فرهنگ جهانی اسلام از دو مسیر در حال اتفاق افتادن است. یکی از مسیر خود اسلام است با داشتن ظرفیت هایی درونی اسلام نظیر:

۱- ظرفیت مراسماتی مثل اربعین، حج، ماه مبارک رمضان (سیاهان فرانسه غیر مسلمانان فرانسه منتظر ماه رمضان مسلمانان هستند تا سر سفره افطار مسلمانان رفتن).

۲- وجود قواعد طلایی در اسلام نظیر:

- اذفع بالتي هي احسن السيئه.

- و الكاظمين عن الغيظ و العافين عن الناس

۳- ظرفیت نمادهای دینی:

برخی از نمادها تبدیل به نماد جهانی شده اند مثل:

- نماد حجاب در بازی های المپیک.

- نماد حلال.

۴- ظرفیت هنر دینی:

- خوشنویسی

مسیر دوم فضای مجازی و اینترنت است. اینترنت برای ما یک اسلام اینترنتی ایجاد کرده است. یک سری اتفاقات جدید افتاده است و با همه مشکلاتش یک ظرفیت جهانی برای اسلام ایجاد کرده است. در فیس بوک صد میلیون اکادمی حوزه و دانشگاه عضو هستند و مقاله فارسی شما در سراسر جهان در معرض دید قرار می‌گیرد و می‌بینند. در اسلام و جهانی شدن، صحبت از امت مجازی اسلام است. یک امت جدیدی در حال شکل‌گیری است که همدیگر را پیدا می‌کنند.

بخش سوم: ارائه پیشنهاد

اول:

بحث فعال‌سازی ابعاد ایجابی و جهانی در اندیشه اسلام، تاریخ اسلام و تمدن اسلامی است. عناصری هستند که مال خودمان است و قدر آن را نمی‌دانیم و از آنها خوانش این جهانی نمی‌کنیم؛ آیات قرآن کریم، ادعیه صحیفه سجاده و نهج البلاغه.

در بین این عناصر یک عنصر بسیار مهم است که ما در بدترین شرایط هم بهترین استفاده را می‌توانیم بکنیم و آن عشق و محبت است. عشق در غرب با آنچه در دنیای اسلام اتفاق می‌افتد، زمین تا آسمان فرق دارد. غرب اساساً از انسانیت خودش عدول کرده است. در ادبیات فرهنگ ما محبت به همدیگر و هم‌نوع ارزش است. این یک سرمایه اجتماعی است. در یک فضای فراتر مسئله عشق در فضای معنوی است. حب خدا، اهل بیت، امام حسین. ابزار ما در برابر فرهنگ مدرن که بر ما غلبه دارد فرهنگ محبت در اسلام است. محبت به جهت روحی و روانی و به جهات مختلف برای ما تامین ایجاد می‌کند.

دوم:

مسئله سرعت است. از ویژگی‌های فرهنگ جهانی سرعت اثر گذاری فرهنگی است. هر روز دنیای غرب به لحاظ فرهنگی در قالب‌های مختلف مثل قصه رمان و ... در حال تولید فرهنگ است و صنعت و کارخانه تولید فرهنگ است. همین که به خودمان بیائیم در آواری از فرهنگ غرب دفن می‌شویم. باید نرم افزار سرعت را فعال کنیم. مهارت‌های واکنش سریع را در حوزه فرهنگ باید یاد بگیریم. با حرکت‌های آهسته علمایی نمی‌توان به جایی رسید. کرونا نماد سرعت است و کروناهای فرهنگی در جامعه ما فراوان است.

ما باید واکنش سریع را بدانیم و این مهارت را باید به دست آورد اینکه چطور سریع فکر کرد و اثر گذار بود. در جهان امروز و ایران هیچ موقع به این فکر نکنیم که سیستم بیاید و کلنالیزه کارها انجام گیرد؛ لذا منتظر اصلاح سیستم نباید بود و اگر نکته ای را یاد گرفتیم به اندازه وسع خود آن را عملیاتی کنیم.